

In the Name of Allah

گرامر و رایتینگ درس اول پایه یازدهم :

Countable & Uncountable Nouns

اسم های قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسم قابل شمارش : اسم هایی که هم شکل مفرد و هم شکل جمع دارند و شکل مفرد آنها ، معمولاً با a /an بکار می رود .

a book - books a chair - chairs a person - people a man - men
a child - children a tooth - teeth a dollar - dollars a sheep - sheep

اسم غیر قابل شمارش : اسم هایی که شکل جمع ندارند و یک شکل دارند و شکل مفرد آنها با a /an بکار نمی رود .
تعدادی از اسم های غیر قابل شمارش که در ممدوده ی کتابهای درسی و تستهای کنکور می باشند عبارتند از :
الف: اکثر مایعات، نوشیدنی ها و گاز ها :

fuel , blood , water , milk , tea , juice , coffee , oxygen , smoke , air

ب: اسم های مربوط به جنس، مواد و برفی از غذا ها :

silver , gold , cotton , wood , iron , meat , butter , bread , rice , sugar , salt , soup

ج: زبان ها :

English, Persian, Chinese, Arabic

د: برفی از اسم های معنی (اتزاعی) :

love, honesty, happiness, beauty, health, knowledge

ه - برفی اسم های غیر قابل شمارش دیگر عبارتند از :

money, homework, information, advice, furniture, weather, traffic, news, time, food, light, play, room, noise, work, glass, paper

صفات کمی و کلمه پرسشی که قبل از اسامی قابل شمارش می آیند عبارتند از :

تعداد خیلی کم (کافی نیست) = تقریباً هیچ = few (-) مفهوم منفی دارد.	I have <u>few</u> friends here. I feel lonely. من دوستان خیلی کمی اینجا دارم. احساس تنهایی می کنم.
تعداد کمی = چند تایی = a few (+) مفهوم مثبت دارد.	I have <u>a few</u> friends here. I don't feel lonely. من چندتایی دوست اینجا دارم. احساس تنهایی نمی کنم.
تعداد زیادی = many بیشتر در جملات سولی و منفی استفاده می شود.	Are there <u>many</u> cars in the street? I don't have <u>many</u> friends.
تعدادی = several	<u>several</u> animals تعدادی میوان
چند تا / چه تعداد؟ = how many	How many pencils do you have?

صفات کمی و کلمه پرسشی که قبل از اسامی غیرقابل شمارش می آیند عبارتند از :

(-) little مقدار خیلی کم (ناکافی) مفهوم منفی دارد	I have <u>little</u> money. We can't buy fruit. من مقدار خیلی کمی پول دارم. ما نمی توانیم میوه بخریم.(واسه خریدن میوه پولم کافی نیست)
(+) a little=(مفهوم مثبت دارد)	I have <u>a little</u> money. Let's buy some fruit. من مقدار کمی پول دارم. بیا مقداری میوه بخریم.(واسه خریدن میوه پولم کافی است).
much= مقدار زیادی بیشتر در جملات سوالی و منفی استفاده می شود.	I didn't buy <u>much</u> bread. Is there <u>much</u> water in the glass?
how much= چه مقدار ؟	<u>How much</u> money do you need?

صفات کمی که هم قبل از اسامی قابل شمارش و هم اسامی غیرقابل شمارش می آیند عبارتند از :

some= تعدادی / مقداری (در جملات خبری مثبت استفاده همیشه)	There is <u>some</u> bread on the table. There are <u>some</u> plates on the table
a lot of = تعداد یا مقدار زیادی (رسمی) lots of = تعداد یا مقدار زیادی (غیررسمی) plenty of = تعداد یا مقدار زیادی (بیشتر در جملات خبری مثبت استفاده می شوند.)	She needs <u>a lot of</u> books. He has <u>lots of</u> friends. She has <u>plenty of</u> money.
all= همه	<u>all</u> the girls <u>all</u> the money
any= هیچ در جمله های منفی و سوالی به جای some استفاده می شود.	Do you have <u>any</u> money? I don't have <u>any</u> brothers.
no= هیچ (در جمله های خبری استفاده می شود و مفهوم منفی دارد.)	I have <u>no</u> time. She has <u>no</u> Spanish books.

کلمات اندازه گیری و پیمانه ها برای اسامی غیر قابل شمارش

Containers & Measure Words for Uncountable Nouns

a bottle of یک بطری	water/ milk
a cup of یک فنجان	tea / coffee
a glass of یک لیوان	water / milk / juice
a bag of یک کیسه	rice/sugar/flour
a piece of یک تکه / یک	cake/ paper/ advice / bread/ cheese/ news/ furniture/ wood / land/ information / clothing
a slice of یک قاچ / تکه	cake / cheese / melon / pizza
a kilo of یک کیلو	rice/ meat
a loaf (loaves) یک قرص	bread
a drop of یک قطره	water/ rain/ blood
a jar of یک شیشه (ظرف)	jam / honey
a bar of یک قالب / یک شمش	chocolate / gold/ soap
a carton of یک کارتن / پاکت	milk/ juice/ ice cream
a can (tin) of یک قوطی	soup / tuna / paint
a bowl of یک کاسه (پیاله)	soup
a sheet of یک ورق	paper / metal / ice
a tube of یک لوله (تیوبی)	glue / toothpaste
a packet/box of یک بسته	sugar / tomato sauce

نکته: برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش، از کلمات اندازه گیری و ظروف (پیمانه ها) استفاده می کنیم. که این کلمات اندازه گیری (مُمیزها) را می توانیم جمع ببندیم، اما خود اسم های غیر قابل شمارش بدون تغییر می ماند (جمع بسته نمی شوند).

1-She drinks two cups of tea every morning.

او هرروز صبح دو فنجان چای (دوتا چایی) می خورد (می نوشد).

2-I bought three loaves of bread yesterday morning.

سه قرص نان (سه تا نان) دیروز صبح خریدم.

نکاتی در مورد نوشتن و خواندن اعداد:

1- اعداد ، قبل از اسم های قابل شمارش می آیند. اگر عدد یک (one=1) بیاد، اسم بصورت مفرد می آید ،اما بعد از بقیه ی اعداد (two, three, four ...) اسم بصورت جمع میاد.

one book - three books - ten books

2- در نوشتن اعداد (21 تا 99) بصورت مروفی، به جزء مضرب های ده (...30-20-10) ، بین دهگان و یکان این اعداد، فط تیره کوتاه (hyphen , (-)) گذاشته می شود.

21= twenty-one 22= twenty-two 45= forty-five 99 = ninety-nine

3- به خواندن و نوشتن اعداد زیر بصورت مروفی دقت شود.

100= one hundred	200 = two hundred
1000=one thousand	2000 = two thousand
1000000 = one million	2000000 = two million
1000000000 = one billion	2000000000 = two billion

نکته 1: اگر اعداد (hundred, thousand, million, billion) قبل از اسم بیایند. (یعنی نقش صفت را داشته باشند) ، (S) جمع نمی گیرند.

1-There were about two hundred people at the meeting. (جمله درست)

2-There were about two hundreds people at the meeting. (جمله نادرست)

نکته 2: اگر اعداد، با سافتار (hundred, thousand, million , billion) of + nouns ، (S) جمع می گیرد.

1-It has happened hundreds of times.

2- Millions of people live in this area.

نکته 3: به سافتار زیر ، در ترتیب اعداد ،صفات و اسم ها که پشت سر هم در یک جمله استفاده می شوند، دقت کنید .

اسم + صفت + عدد

1-There are five beautiful trees in the garden.

2- She took forty-six interesting photographs yesterday.

بخش رایتینگ درس اول زبان یازدهم:

Simple Sentences

جملات ساده (در زبان انگلیسی

- هر جمله ساده در زبان انگلیسی، باید حداقل یک فاعل (subject) و یک فعل (verb) داشته باشد.

1- My father is sleeping.

subject verb

ترتیب معمول قرار گرفتن کلمات در جمله های ساده ، در زبان انگلیسی عبارتند از :

subject + verb + object + adverb of manner + adverb of place + adverb of time.

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

2-Our teacher	explained	the lesson	carefully	in class	yesterday.
subject	verb	object	adverb of manner	adverb of place	adverb of time

نکته 1: جمله می تواند هم فعل اصلی داشته باشد و هم فعل کمکی.

3-They can ride a bike.

فعل اصلی + فعل کمکی

نکته 2: قید های تکرار (adverbs of frequency) معمولاً بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آیند.

always / usually / often/ sometimes/ rarely / بندرت / seldom / بندرت / never...

6- He usually comes to class late. 7-She may often be late. 8-They are usually on time.

نکته 3: گاهی اوقات ، قید های حالت قبل از فعل اصلی می آیند (بویژه در جملات مجهول ، قبل از اسم مفعول pp می آیند).

9-The lesson was carefully explained by the teacher yesterday.

نکته 4: برخی از افعال، دو مفعول دارند. (1- مفعول مستقیم 2- مفعول غیر مستقیم). به سافتر های زیر توجه کنید.

مفعول غیر مستقیم | مفعول مستقیم + to/for

10-I gave a book to Mina last week.

11- I will buy a cellphone for you next week.

مفعول مستقیم + مفعول غیر مستقیم

12-I gave Mina a book last week.

13-I will buy you a cellphone next week.

گرامر درس دوم زبان انگلیسی پایه یازدهم :

Present Perfect

مال کامل (ماضی نقلی)

طرز ساخت زمان مال کامل (ماضی نقلی) : **subject + have / has + pp + ...**

1-We have lived in Tehran since 2012.

2-She has lived in Tehran for 8 years.

نکته 1: Past participle = اسم مفعول (pp) افعال با قاعده با افزودن { d/ed } ساخته می شود و افعال بی قاعده باید

اسم مفعول (شکل سوم) آن ها را مفظ کنیم .

play – played – played
put – put – put

study – studied – studied
buy – bought – bought

watch – watched - watched
go – went - gone

نکته 2: برای منفی کردن مال کامل (ماضی نقلی) به فعل های کمکی { have / has } ، (not / n't) افزوده می شود.

3- I have not done my homework yet.

4- She hasn't spoken to me since last week.

نکته 3: برای سؤالی کردن مال کامل (ماضی نقلی) ، جای فعل کمکی { have / has } با فاعل عوض می شود.

5- Have you finished your homework yet?

6- Has she lived in Tehran for 8 years?

7- How long have you lived in this house?

نکته 4: در زمان ماضی نقلی ، مخفف (شکل کوتاه شده) " has " بصورت ('s) و مخفف have بصورت ('ve) می باشد.

8-We've studied English for 2 hours.

9-It's rained here since last night.

***موارد کاربرد مال کامل (ماضی نقلی) :

1- برای بیان کاری یا عملی که در گذشته نامعلوم انجام شده است :

10- I have seen this film.

این فیلم را دیده ام. (در زمانی در گذشته)

11. I have read this book.

این کتاب را خوانده ام. (در زمانی در گذشته)

2- بیان کاری یا عملی در گذشته ، که اثر آن به صورت (فیزیکی یا ذهنی) در زمان مال باقی مانده است.

12- I have memorized the dialog.

من دیالوگ را مفظ کرده ام. (الان هم مفظم هست.)

13- I have opened the door.

من در را باز کرده ام. (الان هم در باز است.)

3- برای بیان کار یا عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان مال ادامه داشته است. { for / since }

14-We have lived in this house for 12 years.

برای دوازده سال است که در این خانه زندگی کرده ایم.

15- They have been at the hotel since last week.

از هفته گذشته در این هتل بوده اند.

✓ **for** (برای) با طول دوره ی زمانی بکار می رود.

(**for** 2 hours/ 5 days/ a week/ 2 months /3 years/ ...)

✓ **Since** (از) با شروع و مبدا زمان به کار می رود.

(**since** two o'clock/ this morning / last week / 1998 / ...)

***نکات اضافی در مورد { **for / since** }

✓ اگر **بعد از since** جمله بیاید، معمولاً بصورت گذشته ساده و جمله قبل از آن حال کامل (ماضی نقلی) می باشد.

16- I **haven't played** football **since** I **left** university.

✓ اما با توجه به مفهوم جمله گاهی اوقات **بعد از since** جمله به صورت ماضی نقلی (حال کامل) هم بکار می رود.

17- I've known her **since** I **have lived** here.

✓ **بعد از since then** (از اون زمان به بعد) جمله به صورت ماضی نقلی (حال کامل) بکار می رود.

18- I **left** school in 2012, and **since then** I've lived in London.

- به تفاوت دو جمله زیر دقت شود.

19- He **hasn't smoked** a cigarette **since** last month.

او از هفته قبل سیگار نکشیده است.

20- He **hasn't smoked** a cigarette **for** *the* last month.

او در طول یک هفته گذشته سیگار نکشیده است.

- در مثال 20، به مرف تعریف (the) قبل از (last month) دقت شود.

4- بیان کار یا عملی در گذشته نزدیک با قید های (just به تازگی / اندکی قبل / lately اخیراً / recently اخیراً)

21- They **have just left** home.

22- David **has recently come back** from Canada.

23- I **have been** very busy **lately**.

5- برای بیان کار یا عملی که قبل از حال (در زمان گذشته) چندین بار تکرار شده است. (امکان وقوع این عمل در آینده هم

وجود دارد.)

24 - He **has written** 3 books and he is working on another one.

25- I **have seen** this film **several times** .

26- My uncle is a writer. He **has written** many books.

- در مثال زیر ، امکان وقوع عمل در آینده وجود ندارد ، در نتیجه از گذشته ساده استفاده شده است.

27- My uncle died last year. He **wrote** many books. -

6 - با قیدهای 1- (تا کنون) = { **so far, until now / up to now** } 2- هنوز = **yet** } در جملات منفی و سوالی

3- **already** = قبلاً 4 - **ever, never,** 5- **in /for the last few days**

28- We **have taken** 3 tests **so far**.

29- We **have had** 20 Olympic Games **up to now**.

30- I **haven't finished** my homework **yet**.

- 31- Has she finished her homework yet?
32- I have already done my homework.
33- Have you ever been to Paris? No, I have never been there.
34- I have met a lot of people in /for the last few days.

7- بعد از صفات عالی مانند the best, the most (beautiful), the worst و اعداد ترتیبی the first, the second, ...

- 35- This is the best book that I have ever read.
36- This is the first time I've driven a car.
37- This is the most beautiful park that I've ever seen.
38- I have lost my passport. It is the second time this has happened.

8- با قیدهای زمان today, this morning, this week / month, this evening

اگر موقع گفتگو و بیان کردن آن کار یا عمل ، موعده آن زمان تمام نشده باشد .

- 39- I have written 3 letters this morning.

امروز صبح 3 نامه نوشته ام. (امروز صبح هنوز تمام نشده است)

9- مقایسه مال کامل با گذشته ساده در برقی ازجملات :

- 40- Tom has lost his key. (کلیدش هنوز پیدا نشده است.)

- 41- Tom lost his key. (نمی دانیم کلیدش پیدا شده است یا نه.)

- 42- My friend has been to Paris. (Now he is at home again.)

- یعنی دوستم قبلا در پاریس بوده و الان دیگر آنجا نیست. (یعنی الان به خانه و یا وطنش برگشته است)

- 43- My friend has been in Paris for 2 years.

- دوستم 2 سال است که در پاریس بوده است. (یعنی الان هم در پاریس است.)

- 44- My friend has gone to Paris. (He is in Paris now.)

- دوستم به پاریس رفته است. (یعنی رفته به پاریس و به خانه و یا وطنش برنگشته است.)

- 45- She has lived in Tehran for six years.

(او 6 سال در تهران زندگی کرده است. (الان هم در تهران زندگی می کند.))

- 46- She lived in Tehran for six years.

(او 6 سال در تهران زندگی کرد. (الان در تهران زندگی نمی کند.))

گرامر درس دوم زبان انگلیسی پایه یازدهم بفش: See Also

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) در زبان انگلیسی :

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) به دو گروه تقسیم می شوند.

1- افعال دو کلمه ای لازم : (Intransitive Verbs) 2- افعال دو کلمه ای متعدی : (Transitive Verbs)

1. افعال دو کلمه ای لازم : (Intransitive Verbs) : افعالی هستند، که مفعول نمی گیرند.

1-She grew up in Rasht.

2- His father passed away last year.

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) لازم در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور عبارتند از :

check in= (فارغ شدن / تمویل دادن اتاق) check out= (پذیرش گرفتن / اعلام ورود کردن)

wake up بیدار شدن get up برفاستن از رفتنواب get away= (دور شدن / دور رفتن)

go away= (دور شدن / دور رفتن) hang out= (وقت گذراندن با / بیرون رفتن)

hurry up= (عجله کردن) look back= (فکر کردن به گذشته/ به عقب نگاه کردن)

turn round= (دور زدن / برگشتن) watch out = look out (مراقب بودن)

die out= (خاموش شدن / قطع شدن برق) go out= (بزرگ شدن) grow up= (منقرض شدن / از بین رفتن)

pass away= (مردن / درگذشتن) get around = (شیوع پیدا کردن بیماری/ پخش شدن خبر)

2. افعال دو کلمه ای متعدی : (Transitive Verbs) : افعالی هستند، که مفعول می گیرند.

3-I am looking for my keys.

4- He turned off the lights.

افعال دو کلمه ای متعدی ، به دو گروه تقسیم می شوند.

الف) افعال جدا شدنی (Separable Verbs) ب) افعال جدا نشدنی (Inseparable Verbs)

الف) افعال جدا شدنی (Separable Verbs) : افعال جدا شدنی که در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور هستند عبارتند

از :

turn on= (روشن کردن) turn off= (خاموش کردن) turn up= (زیاد کردن صدا)

turn down= (کم کردن صدا) put on= (پوشیدن لباس) take off= (در آوردن لباس)

call up= (تلفن کردن) pick up= (برداشتن) wake up= (بیدار کردن)

look up= (پس دادن) give back= (ترک کردن کار یا عملی) give up= (پیدا کردن لغت در کتاب یا دیکشنری)

call back= (خاموش کردن آتش) put out= (قطع کردن / بریدن درختان) cut down= (دوباره زنگ زدن)

fill in/out= (تکمیل کردن) take away= (چیزی را از کسی گرفتن / از میان برداشتن)

put aside= (کنار گذاشتن) keep off= (وارد جایی نشدن / پرهیز کردن)

نکته 1 : اگر مفعول این افعال اسم باشد ، جدا کردن / یا جدا نکردن جزء قیدی، به اختیار است. (به عبارت دیگر اسم می تواند قبل یا بعد جزء قیدی قرار گیرد.)

5-He turned on the lights. 6-He turned the lights on.

نکته 2 : اگر مفعول این افعال، به شکل ضمیر مفعولی باشد ، جزء قیدی متمماً جدا می شود . (به عبارت دیگر ضمیر مفعولی بین فعل و جزء قیدی قرار می گیرد .) ضمائر مفعولی عبارتند از : me - you - him - her - it - us - you - them

7- Did Ali turn off the lights? Yes, he turned them off.

ب) افعال جدا نشدنی (Inseparable Verbs) : افعال دو کلمه ای هستند که مروف اضافه اشان از بخش فعلی جدا نمی شوند.

She is looking at the picture. = She is looking at it.

افعال جدا نشدنی که در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور می باشند عبارتند از :

look at = (نگاه کردن) look for = search for (جستجو کردن / گشتن) look after = (مراقبت کردن از)
 talk about = (صحبت کردن در باره) talk to / with = (صحبت کردنبا) speak to / with = (صحبت کردن با)
 wait for = (منتظر ماندن برای) think about / of = (فکر کردن درباره) pay for = پرداختن پول برای

بخش رایتینگ درس دوم (زبان انگلیسی پایه یازدهم	Gerund (اسم مصدر) :
--	-----------------------

هر گاه فعل ing دار به عنوان یک اسم بکار رود به آن Gerund (اسم مصدر) می گویند .

اسم مصدر =	ing + فعل
------------	-----------

موارد کاربرد اسم مصدر (فعل ing دار) :

1 -	اسم مصدر به عنوان فاعل در اول جمله :
-----	--------------------------------------

1. Driving carelessly is dangerous.
2. Playing ping-pong for 2 hours made him tired.
3. Swimming is enjoyable.

2 -	اسم مصدر به عنوان مفعول مستقیم بعد از فعل های زیر :
-----	---

imagine - quit - give up - finish - enjoy - practice - keep (on) - like - love

- 4- Can you imagine living on the moon?
- 5-He quit smoking last year.
- 6- My father gave up eating fast food.
- 7-She finished doing her homework.
- 8- I love reading storybooks. (to read)
- 9- Young children enjoy playing.
- 10- Let's practice speaking English.
- 11- I keep telling you, but you won't listen to me.
- 12- Although we tried to stop him, he kept on talking.

Stop - mind - miss - avoid - risk - dislike (فارغ از بخش گرامر کتاب درسی ، اما مهم)

- 14- Come on. Stop being a couch potato.
 15- Would you mind opening the door?
 16- I miss getting up at six o'clock every morning.
 17- The best way to lose weight is to avoid eating fatty foods.
 18- Hurry up! I don't want to risk missing the last train.
 19- My sister dislikes washing the dirty dishes.

3 - اسم مصدر به عنوان مفعول مرف اضافه که بعد از مرفوف اضافه می آید:

in, of, from, for, on, with, without, about, at, up, after, before, by, ... مرفوف اضافه

- 20- I am tired of washing the dishes.
 21- We were thinking about repairing the house.
 22- He is interested in reading story books.
 23- Mrs. Karimi told them to brush their teeth before going to bed.
 24- I was surprised that she left without saying good-bye to anyone.
 25- My sister is good at drawing flowers.

4- اسم مصدر به عنوان کامل کننده فاعل (بعد از فعل ربطی):

- 26- a) Mina's favorite hobby is writing poems. b) Mina is writing poems now.
 27- a) Her favorite activity is reading story books. b) She is reading story books now.
 28- a) His hobby was traveling to other countries. b) He was travelling in Europe.

در مثال های بالا بخش اول (a) اسم مصدر هستند ، اما در بخش دوم (b) فعل هستند که بصورت حال استمراری یا گذشته استمراری بکار رفته اند.

5 - اسم مصدر بعد از فعل go برای نشان دادن فعالیت های ورزشی و تفریحی:

go shopping / go biking / go fishing / go swimming / go skating / go jogging / go sailing / go running / go hiking / go hunting / go camping / go sightseeing / go surfing / go mountain climbing

- 29- My father goes jogging every morning.
 30- We went hunting in the forest last week.

6 - اسم مصدر بعد از NO برای ممنوع بودن کاری یا عملی (بویژه در علائم هشدار دهنده):

No Smoking / No Fishing / No Parking / No Honking / No swimming / No hunting / No Overtaking

۴ - اسم مصدر به عنوان متمم فاعل (Subject Complement) بعد از فعل ربطی (to be) :

- 62- a) Mina's favorite hobby is writing poems. b) Mina is writing a poem now.
63- a) Her favorite activity is reading story books. b) She is reading story books now.
64- a) What he liked was traveling to other countries. b) He was travelling in Europe.
در مثال های بالا بخش اول (a) اسم مصدر هستند، اما در بخش دوم (b) فعل هستند که بصورت حال استمراری یا گذشته استمراری بکار رفته اند

۵ - اسم مصدر بعد از فعل go برای نشان دادن فعالیت های ورزشی و تفریحی :

- / go shopping / go biking / go fishing / go swimming / go skating / go jogging / go sailing /
/ go running / go hiking / go hunting / go camping / go sightseeing / go surfing /
/ go mountain climbing /
65- My father goes jogging every morning.
66- We went hunting in the forest last week.

۶ - اسم مصدر بعد از NO برای ممنوع بودن کاری یا عملی (بویژه در علائم هشدار دهنده) :

- / No Smoking / No Fishing / No Parking / No Honking / No swimming /
/ No hunting / No Overtaking
سبقت گرفتن ممنوع

گرامر درس سوم (۳) زبان انگلیسی پایه یازدهم

Conditional Sentence Type (1) : شرطی نوع اول

ساختار جمله ی شرطی نوع اول : If clause type (1)

هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود .

۱- قسمت شرط ، که با IF (اگر) شروع می شود . ۲- جواب و نتیجه ی شرط

1- a) If you study hard, you will pass your test.

قسمت شرط جواب شرط

- اگر نتیجه ی شرط در ابتدای جمله بیاید و سپس قسمت شرط ، نیازی به آوردن کاما « , » و « ویرگول » نیست .

b) You will pass your test if you study hard.

شرطی نوع اول : که به آن شرطی واقعی گفته می شود . در شرطی نوع اول احتمال وقوع عمل در زمان حال و آینده وجود دارد.

شرطی نوع اول طبق الگوی زیر :

ساختار شرطی نوع اول :

مصدر بدون will + to , زمان حال ساده If
جواب شرط قسمت شرط

نکته ی ۱ : مخفف **will** بصورت ('ll) نوشته می شود .

2- **If I get** a good job, I **'ll stay** here.

نکته ی اضافی ۲ : در شرطی نوع اول، می توان به جای **will** از **have to** , **must** , **should** , **can** , **may** و حتی از **are going to** (برای احتمال ضعیف) استفاده کرد.

3- **If you are** in a hurry, you **can take** a taxi.

4- **If you don't go** now, you **may miss** the train.

5- **If it rains**, we **should stay** at home.

6- **If you want** to succeed, you **must study** hard.

7- **If you want** to learn English, you **have to practice** hard.

8- **If she passes** all her exams, we **are going to buy** her a good present.

9*- **If you phone** me after 12 o'clock, I ***might be** in bed.

نکته ی اضافی ۳ : در شرطی نوع اول ، در جواب شرط ، برای بیان دستورالعمل، توصیه ، نصیحت و هشدار ، می توان از جمله ی امری نیز استفاده کرد.

10- **If you want** to help me, **call** the doctor.

11- **Don't forget** to lock the door **if you go out**.

نکته اضافی ۴ : موقع سوآلی کردن جملات شرطی ، جواب و نتیجه شرط به صورت سوآلی در می آید .

12- What **will you do if you are** cold?

13- **Will he pass** his test **if he doesn't study** hard?

نکته اضافی ۵ : برای بیان واقعیت و حقیقت علمی می توان در جواب شرط ، بجای **will** می توان از زمان حال ساده استفاده کرد که به آن شرطی صفر هم گفته می شود .

14- **If you press** this key, the game **starts**. (**will start**)

15- **If I eat** bananas, I **get** red spot on my skin. (**will get**)

16- **If you heat** water, it **boils**. (**will boil**)

نکته اضافی ۶ (زبان تخصصی) :

در شرطی نوع اول، در قسمت شرط به جای زمان حال ساده ، با توجه به معانی و بافت جملات داده شده ، می توان از زمان حال استمراری ، حال کامل (ماضی قلی) ، حال کامل استمراری ، **should** ، **can** ، **be going to** و حتی (**will** , **would**) برای درخواست و تقاضای مودبانه (نیز استفاده کرد.

17- **If you are waiting** for a while, you **will see** him.

18- **If you have finished** your work, we **can go** to the cinema.

19- **If John has been studying**, he **might pass** the test.

20- **If I can finish** work early, I **'ll come** and help you.

21- a) If I should see him, I'll tell him the good news.

* b) Should I see him, I'll tell him the good news. (inversion) تقریبا نامحتمل

22- If it is going to rain, I had better take an umbrella.

23- If you'll just wait a moment, I'll find someone to help you. (request)

24- I would be grateful if you would let me know your decision as soon as possible.

(polite request)

نکته اضافی ۷ (زبان تخصصی): بیان شرطی نوع اول با ساختار زیر هم امکان پذیر است.

جمله در زمان آینده + and + جمله امری

25 - a) Do that again and you will be in trouble.

b) If you do that again, you will be in trouble.

26- a) Touch my head and you will see how hot it is.

b) If you touch my head, you will see how hot it is.

نکته اضافی ۸ (زبان تخصصی): در جملات شرطی، به غیر از if، از سایر کلمه های شرط نیز می توان استفاده کرد.

۱- (مگر اینکه = unless) ۲- (ما دامیکه، به شرطی که = as long as) ۳- (وگرنه = otherwise (or else))

۴- (به شرطی که = providing , provided that) ۵- (به شرطی که = on (the) condition that)

۶- (حتی اگر = even if) ۷- (مبادا، (در صورتیکه، برای احتیاط)) = in case)

۸- (به فرض اینکه = suppose, supposing (that)) و ۹- (چه می شود اگر، چه اتفاقی می افتد اگر = what if)

- کلمات شرط شماره های ۸ و ۹ در جملات سوالی استفاده می شود.

27-a) He cannot pass his exam unless he works hard.

b) He cannot pass his exam if he doesn't work hard.

28- a) Unless you hurry, you won't catch the bus.

b) If you don't hurry, you won't catch the bus.

29- We will go out as long as the weather is good.

30- Put on your coat, otherwise you'll get cold.

31- We need to be there by 8 or else we will find it hard to park the car.

32- You can borrow my bike provided/ providing that you bring it back.

33- I will give you the day off on condition that you work on Saturday morning.

34- We will go mountain climbing tomorrow, even if it is raining.

35- * a) I will take my umbrella in case it rains.

(اگر باران بیاید، چترم را بر می دارم)

* b) I will take my umbrella if it rains.

(چترم را بر می دارم برای احتیاط، چون ممکن است باران بیاید)

*c) In case of fire, break the glass.

36- Suppose/Supposing that you are wrong, what will you do then?

37- What if we paint it red? How will it look?

Spotlight : تفاوت if و when :

38-* a) I will tell Tom to call you if he comes.

ممکن است تام بیاید / شاید هم نیاد

* b) I will tell Tom to call you when he comes.

تام حتماً خواهد آمد

تفاوت unless با if...not : در جمله سوالی نمی شود به جای if...not از unless استفاده کرد.

39- a) If you don't pass the test, what will you do? (جمله درست)

b) Unless you pass the test, what will you do? (جمله نادرست)

گرامر درس سوم (۳) زبان انگلیسی پایه یازدهم بخش: See Also

صفت مفعولی (past participle) و صفت فاعلی (present participle) :

صفت مفعولی (past participle) (ed دار) :

صفت مفعولی ، يك صفت اثر پذیر است و با افزودن -ed به فعل (یا قسمت سوم فعل) درست می شود. معمولاً احساس يك انسان را ، نسبت به چیزها یا به افراد را نشان می دهد .

1- I am interested in history. 2- Ali was confused because the problem was confusing.

3- We were amused at her story. 4- My sister was frightened of snakes.

نکته : در اکثر موارد، صفت مفعولی برای انسان بکار می رود .

- (در زبان فارسی معمولاً با پسوند های زده / شده معنی می شوند)

نکته اضافی (زبان تخصصی) : در برخی موارد صفت مفعولی می تواند حتی برای غیر انسان (اسامی بی جان) نیز بکار رود که خارج از محدوده ی کتاب درسی و حتی کنکور می باشد

5- Their statements presented a confused picture of the accident.

(confused = not clear or easy to understand)

6- He had an amused smile on his face.

7- She says she has got a broken heart. (قسمت سوم فعل)

8- He was wearing a torn jacket. (قسمت سوم فعل)

صفت فاعلی (present participle) (ing دار) : يك صفت اثر گذار است و با افزودن -ing به فعل درست می

شود. معمولاً برای نشان دادن حس یا حالتی که شخصی یا چیزی در مخاطب ایجاد می کند ، بکار می رود .

9- The film was boring.

10- It was an amusing story.

11- Her job is exciting .

نکته : صفت فاعلی ، معمولاً برای اشاره به اسامی بی جان (غیر انسان) بکار می رود.

- (در زبان فارسی معمولاً با پسوند های آور / انگیز / کننده معنی می شوند)

نکته اضافی : صفت فاعلی برای اشاره به انسان نیز می تواند بکار رود (در اکثر کتاب های درسی ، به آن اشاره نمی شود) .

12- He is one of the most boring people that I have ever met. He never stops talking.

مهم ترین صفات مفعولی و فاعلی در محدوده ی کتاب های درسی و کککور عبارتند از :

صفت مفعولی	صفت فاعلی
amazed (at/ by) شگفت زده	amazing شگفت آور
amused (at/by) سرگرم (شده)	amusing سرگرم کننده
bored (with /of) کسل / خسته (شده)	boring کسل کننده (خسته کننده)
tired (of) خسته (شده)	tiring خسته کننده
confused (about) گیج (شده)	confusing گیج کننده
depressed (about) افسرده / غمگین	depressing افسرده کننده
excited (about/at/by) هیجان زده	exciting هیجان انگیز (مهیج)
frightened (of) ترسیده / وحشت زده	frightening ترسناک
interested (in) علاقمند	interesting جالب (علاقمند کننده)
shocked (at/by) شوکه (شده)	shocking هولناک (شوک آور)
surprised (at/by) متعجب	surprising تعجب انگیز (تعجب آور)
satisfied (with) راضی / خوشحال	satisfying خشنود کننده / راضی کننده

مصدر = شکل ساده فعل + **to**موارد کاربرد مصدر با **to** :۱ - مصدر با **to** به عنوان فاعل (subject) در اول جمله (در سبک غیر رسمی / محاوره ای) :1- **To drive carelessly** is dangerous. [= **Driving carelessly** is dangerous.] (More natural)2- **To learn a language** can be interesting. [= **learning a language** can be interesting.]۲ - مصدر با **to** به عنوان مفعول (object) بعد از فعل های زیر :

1-choose (انتخاب کردن)

2-decide (تصمیم گرفتن)

3-want (خواستن)

4 -promise (قول دادن)

5- wait (منتظر ماندن)

6-agree (موافق بودن)

7- learn (یاد گرفتن)

8-attempt (تلاش کردن)

9-*like (دوست داشتن)

10-*forget (فراموش کردن)

11-*remember (به یاد آوردن)

12-*try (تلاش کردن)

(کتاب دانش آموز)

12 tell (گفتن)

13-ask (خواستن / سوال کردن)

14-*advise (نصیحت کردن)

15-hope (امیدوار بودن)

16-plan (برنامه ریزی کردن)

17-*begin (شروع کردن)

(کتاب کار)

نکته ۱ : در برخی از افعال ، بلافاصله بعد از آنها فعل دوم به شکل **مصدر با to** می آیند .3-We **decided to change** our plans.4-She **wanted to buy** an Iranian handicraft.نکته ۲ : اما يك تعدادی از افعال هم وجود دارد که بعد از آنها ابتدا بعد از آنها **مفعول** و سپس **فعل دوم** به شکل **مصدر با to** می آیند (برخی از فعل ها با هر دو ساختار بکار می روند)5-The teacher **told the children to sit down** quietly.6-I **want you to find out** what they are planning.

به مثال های زیر، برای هر يك از افعال بالا ، دقت کنید

7-I **chose to learn** German rather than French. [rather than = به جای]8- They **chose Donald to be** their leader.9-Tina has **decided to go** to Rome for her holidays.10-I **want to study** physics now.11-I don't **want Linda to hear** about this.12- He **promised to give back** the book.13-Are you **waiting to use** the phone?14- I **waited for Reza to say** something.15- The teacher **agreed to finish** the class 5 minutes early.16- I **learned to drive** when I was 18.17- In this lesson, I **will attempt to explain** infinitives.

18- a) He likes to swim. (دوست داشتن در مقطع زمانی خاص)

* b) I would like to play football.

* c) He likes swimming. (دوست داشتن دائمی ولذت بردن کلی)

* d) I don't feel like running today.

19- a) Don't forget to wake me up. (زمان آینده) فراموش نکن که مرا بیدار کنی.

*b) He forgot sending the letter. (زمان گذشته) او فراموش کرد که نامه را ارسال کند.

20- a) Ali remembers to send her the letter. (به یاد آوردن انجام کاری یا عملی در زمان آینده)

*b) He remembers meeting Mina for the first time. (به یاد آوردن انجام کاری یا عملی در زمان گذشته)

21-a) He tried to control his voice. (سعی کردن)

* b) Why don't you try using a different shampoo? (امتحان کردن)

22-The doctor told me to take these pills.

23- He asked to come with us.

24 - I asked John to help us.

25- She advised me to wait until six o'clock.

* 26- I wouldn't advise taking the car.

27- She hopes to find a good job soon.

28- I am planning to have a party.

29- The baby began to cry.

30- I began teaching in 1992.

زبان تخصصی :

1- *allow (اجازه دادن) 2-*permit (اجازه دادن) 3- force (مجبور بودن) 4-invite (دعوت کردن)

5- order (دستور دادن) 6- warn (اخطار دادن) 7- encourage (تشویق کردن) 8-wish (آرزو کردن)

9- seem (به نظر رسیدن) 10-offer (پیشنهاد دادن) 11-prefer (ترجیح دادن)

(خارج از بخش گرامر کتاب درسی اما مهم)

31- His parents won't allow him to stay out late.

32- Our English teacher didn't permit us to use dictionary in the final exams.

*33- We do not allow /permit smoking here.

34- The police forced them to leave the room immediately.

35- They invited me to have lunch with them.

36- She had ordered them to sit down silently.

37- Amin's father warned him to keep away from his friend.

38-We encouraged Ali to find a better job.

39- He wished to become a writer.

40-They seem to know what they are doing.

41- She has offered to help me.

42- a) I prefer to go to the movies tonight. (تمایل به انجام کاری در زمان خاص)

* b) I prefer travelling by train. (ترجیح دادن کلی و دایمی)

* c) I prefer swimming to skiing. prefer A to B

A

B

نکته: برای منفی کردن مصدر، قبل از مصدر با to، (not) می آوریم.

43- I decided not to go.

44- His parents advised him not to eat fast food.

۳ - مصدر با to برای نشان دادن قصد و هدف از انجام کار یا عملی:

45- He went there to see his friend.

46- To learn English, you should practice a lot.

نکته اضافی ۱: در این ساختار، (در سبک رسمی) می توان به جای مصدر با to از in order to , so as to استفاده کرد.

47- He is going to the bookshop in order to buy some books.

48- She went to Canada so as to continue her studies.

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی): شکل منفی ساختارهای بالا، بصورت in order not to , so as not to می باشد.
- حالت منفی آنها به شکل not to نادرست می باشد.

49- I left early so as not to miss the train.

50- I am going to leave now in order not to be late.

*51- I left early not to miss the train. (جمله ی نادرست)

نکته اضافی ۳: بعد از for ، اسم مصدر (ing + فعل) نباید برای بیان هدف / منظور (مقصود) استفاده شود .

52- a) He went to the bookstore for buying some books. (جمله ی نادرست)

b) He went to the bookstore to buy some books. (جمله ی درست)

۳ - مصدر با to بعد از برخی از صفات:

۱- بعد از صفاتی که نشانگر اهمیت، تکرار عمل، احساسات شخصی، سختی و آسانی کار و غیره ... باشند، فعل بصورت مصدر با to بکار می رود.

لیست صفاتی که در محدوده کتاب درسی و کنکور می باشند و بعد از آنها، مصدر با to بکار می رود.

happy (خوشحال)	sad (ناراحت / غمگین)	careful (مواظب و مراقب)	certain (مطمئن)
glad (شاد / خوشحال)	shocked (شوکه / بهت زده)	sorry (متأسف)	amazed (شگفت زده)
ashamed (خوشحال)	fortunate (خوش شانس)	lucky (خوش شانس)	surprised (متعجب)
dangerous (خطرناک)	easy (آسان)		(کتاب دانش آموز و کتاب کار)
hard=difficult (سخت و مشکل)	possible (ممکن)	impossible (غیرممکن)	important (مهم)
necessary (ضروری)			(خارج از کتاب درسی اما مهم)

53- We are happy to be here.

54- Ali was really sad to leave us.

55- The heavy rain made it hard for us to drive easily.

56- Overactive children find it difficult to concentrate.

57- I was careful not to burn myself.

58- Prices are almost certain to increase.

59- Members will be glad to hear him speak again.

- 60-I was shocked to hear that he had an accident.
 61- We were sorry to miss your concert.
 62-Visitors were amazed to discover how little the town has changed.
 63- Their behavior made me ashamed to be British.
 64- I have been fortunate to find a job that I love.
 65- The children were lucky to survive the fire which destroyed their home.
 66- I'm sure that she will be surprised to see me.
 67-It is dangerous to drive on this road.
 68-It is not easy to find a job here.
 69- It was difficult to run fast.
 70- It wasn't possible to read the sentences correctly.
 71- It is impossible to read a book in the dark.
 72- Was it important to be on time?
 73- Is it necessary to speak English fluently?

مصدر با *to* + (مفعول + *for*) + صفت + *to be* + *It*

- 74- It is necessary for him to arrive on time.
 75- It wasn't difficult for us to climb the mountain.
 76- He said that it was important for him to speak English correctly.
 77- Was it possible for you to read in the dark room?

نکته اضافی (زبان تخصصی): با برخی از صفات، که تعداد آنها انگشت شمار هستند به جای **for** از **of** استفاده می شود.

مصدر با *to* + (مفعول + *of*) + صفت + *to be* + *It*

- 78- It is kind of you to say that.
 79- It is really kind of them to let us use their pool.
 80- It was nice of you to help.

۴- مصدر با *to* با ساختارهای **too** و **enough** (زبان تخصصی):

- 81- The soup is too hot for me to eat.
 82-They work too slowly to finish the job on time.
 83-There is too little time to finish the job today.
 84-I had too many books to carry.
 85- There too much sugar to put in this bowl.
 86-The problem was easy enough for me to solve.
 87- Reza isn't tall enough to reach the top shelf.
 88- Our English teacher speaks slowly enough for us to understand.
 89-There are enough books for me to study.
 90- I didn't have enough time to finish the exam.

۴- مصدر با **to** ، بعد از برخی از اسم ها و گروه های اسمی و ضمائر مبهم به عنوان **post-modifier** :

- 91- She didn't have **permission to go**.
92- Our **decision to close** the factory was a difficult one to do.
93- I had **no one to talk to**.
94- When I am travelling, I always take **something to eat**.
95- Jim is **the best person to hire**.
96- That is **a dangerous way to behave**.
97- I have **some e-mails to do**.

۶ - مصدر با **to** بعد از کلمات پرسشی :

- 98- I don't know **what to do**.
99- Do you know **how to solve** this math problem?
100- Tell me **when to press** the button.
101- Could you tell me **where to find** a good hotel?

واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۱

above	بالای، بیش از	be tired of	خسته شدن از	differently	به طور متفاوت
accept	پذیرفتن	beauty	زیبایی	discuss	بحث کردن
according to	مطابق با	begin	شروع کردن	dislike	متنفر بودن
achieve	دست یافتن، رسیدن	behavior	سلوک، رفتار	diversity	تنوع، گوناگونی
action	اقدام، عمل	belief	باور، عقیده	downward arrow	فلش رو به پایین
activity	فعالیت	bowing	تعظیم	draw	رسم کردن، نقاشی کردن
science	علم	brain	مغز	drive	رانندگی کردن
creative	خلاق، خلاقانه	careful	مراقب، محتاط	each other	یکدیگر
add	افزودن، اضافه کردن	careless	بی توجه، بی احتیاط	earn	به دست آوردن (پول)
adjective	صفت	carpet	فرش	economy	اقتصاد
advise	توصیه کردن	catch	گرفتن، رسیدن	education	تحصیل، آموزش
again	دوباره	certain	خاص، معین	element	عُنصر، عامل
agree	موافقت کردن	change	تغییر دادن	emotional	احساسی، عاطفی
also	همچنین	cheap	ارزان	enjoy	لذت بردن
amazed	شگفت زده	choose	انتخاب کردن	especially	مخصوصاً
among	بین چند چیز	classmate	همکلاسی	essay	مقاله، نوشته
another part	بخش دیگر	clause	جمله واره، عبارت	everyone	هر کس
antonym	متضاد	clothing	پوشاک	everything	هر چیزی
appreciate	قدردانی کردن	collection	مجموعه	example	نمونه، مثال
art	هنر	combination	ترکیب	excellent	عالی
art gallery	گالری هنری	come from	آمدن، حاصل شدن	exist	وجود داشتن
artifact	محصول هنری	communicate	منتقل کردن	expect	انتظار داشتن
artist	هنرمند	condition	شرط، وضعیت	experience	تجربه
artistic work	اثر هنری	conditional sentence	جمله شرطی	explain	توضیح دادن
artwork	اثر هنری	confused	گیج، مبهوت	face	مواجه شدن
ashamed	شرمنده	correctly	به درستی	fall	افتادن
attempt	تلاش کردن، کوشش	craft	حرفه، پیشه، صنعت	falling intonation	آهنگ افتان
attitude	نگرش، رفتار	craftsman	صنعت گر مرد	false	نادرست
based on	بر اساس	create	خلق کردن، ساختن	feeling	احساس
be able to	توانستن	cultural	فرهنگی	finish	تمام کردن
be amused by	سرگرم شدن با	custom	سنت، رسم	flower	گل
be bored with	کسَل شدن از	decide	تصمیم گرفتن	for instance	به طور مثال
be frightened	ترسیدن از	decrease	کاهش یافتن	forget	فراموش کردن
be surprised at	متعجب شدن از	develop	توسعه دادن، ایجاد کردن	former	سابق، قبلی
				fortunate	خوشبخت، خوش شانس

واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۲

future	آینده	in fact	در حقیقت	natural	ملی
gerund	اسم مصدر	include	شامل شدن	nature	طبیعت
get along with	کنار آمدن با	including	شامل، از جمله	nearby	نزدیک، اطراف
get back	بازگشتن	income	درآمد	neighbor	همسایه
get depressed about	افسرده شدن به خاطر	increase	افزایش یافتن	no matter	مهم نیست
glad	شاد، خوشحال	infinitive	مصدر با to	objects	اشیا
go well	خوب شدن	information	اطلاعات	on time	به موقع
good mark	نمره ی خوب	interesting	جالب	opposite	متضاد، مخالف
greatly	زیاد، شدیداً	introduce	معرفی کردن	other than	به جز
greet	احوالپرسی کردن	jump	پریدن	own	خود
group	گروه، دسته	just	فقط، صرفاً	painting	نقاشی
grow up	بزرگ شدن	kid	بچه، کودک	palm	کف دست
handicraft	صنعت دستی	late	دیر	part	بخش، قسمت
handshaking	دست دادن	let's=let us	بیایید...	pass	گذشتن، قبول شدن
happen	اتفاق افتادن	lifestyle	شیوه ی زندگی	past participle	اسم مفعول
have to	مجبور بودن	light	نور، روشنایی	phone	تلفن کردن
heart attack	حمله ی قلبی	like	مثل، مانند	physical	جسمی
helpful	مفید، سودمند	lucky	خوشبخت	plan	برنامه داشتن، نقشه
historical site	مکان تاریخی	machine	دستگاه، ماشین	pleasure	لذت، خوشی
history	تاریخ	make noise	سروصدا کردن	poem	شعر
holiday	روز تعطیلی	man	مرد، انسان	poet	شاعر
hometown	سرزمین، وطن	market	بازار، فروشگاه	pottery work	اثر سفالینه
hope	امیدوار بودن	mean	معنی دادن	power	قدرت، انرژی
hug	در آغوش گرفتن	meaning	معنا	practice	کار کردن، تمرین
humankind	بشر، انسان	mental	ذهنی	prefix	پیشوند
hurry up	عجله کردن	miss	از دست دادن، نرسیدن	present job	شغل فعلی
hurt	صدمه دیدن، آسیب	mistake	اشتباه	present time	زمان حاضر
idea	ایده، نظر، عقیده	moral	اخلاق، اخلاقی	pressing	فشار
identity	هویت	mosque	مسجد	prize	جایزه
illness	بیماری	most common	رایج ترین	produce	تولید کردن
imagination	تخیل، تصور	move	حرکت کردن	promise	قول دادن
imagine	تصور کردن	museum	موزه	public transportation	حمل و نقل عمومی
improve	بهبود بخشیدن	name	نامیدن	quickly	به سرعت
in a right way	به طریق درست	nation	ملت، کشور	quite	کاملاً، خیلی، نسبتاً

واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۳

really	واقعاً	smoke	دود کردن، سیگار کشیدن	together	با همدیگر
refer to	اشاره داشتن به	so excited	بسیار هیجان زده	totally	کلاً، کاملاً
reference	مرجع	sociable	معاشرتی، خوش برخورد	translator	مترجم
reflect on	بازتاب دادن، نشان دادن	at least	حداقل	travel	سفر کردن
relationship	ارتباط، ارتباط	social	اجتماعی	try	سعی کردن، امتحان
remember	به یاد آوردن	society	جامعه	turn off	خاموش کردن
repeat	تکرار کردن	soft	نرم، لطیف	ugly	زشت
report	گزارش کردن	somebody	کسی	unimportant	بی اهمیت
respect	احترام کردن	something	چیزی	upward arrow	فلش رو به بالا
respectful	مودب، آبرومند	sometimes	گاهی	value	ارزش، ارزش گذاشتن
result	نتیجه، پیامد	sorry	متاسف، ناراحت	vocabulary	واژگان
richest	غنی ترین	souvenir	سوغاتی	wait	منتظر ماندن
right and wrong	درست و نادرست	spend	گذراندن	want	خواستن، طلبیدن
rise	بالا رفتن، افزایش	start	شروع کردن	war	جنگ
rising intonation	آهنگ خیزان	step	گام، مرحله، پله	warm	گرم
risk	خطر	strategy	سازوکار	weight	وزن، سنگینی
river	رود	stress	فشار، اضطراب	well-known	معروف، نامی
rug	قالی	subject	نهاد، موضوع	wellness	سلامتی
sad	غمگین	successful	موفق	whenever	هر گاه
sadly	متأسفانه	such as	از قبیل	without	بدون
satisfied	راضی، خشنود	suffix	پسونده	wood	چوب
scan	پیمایش سریع متن	surprised	متعجب	work	کار، اثر هنری
seem	به نظر رسیدن	system	سامانه، سیستم	yourself	خودت
shared	مشترک	take note	یادداشت کردن		
shocked	شوکه شده	take part in charity	شرکت در امور خیریه		
show	نشان دادن	talk about	گفتگو در مورد		
silk	ابریشم	tell the truth	حقیقت را گفتن		
similar	مشابه	text	متن		
simple	ساده	the news	اخبار		
simply	به سادگی، واقعاً	the rest	مابقی، بقیه		
skill	مهارت	therefore	بنابر این		
skillful	ماهر، استادکار	think about	فکر کردن در مورد		
sleep	خوابیدن	thought	اندیشه، فکر		
slowly	به آهستگی	to death	تا حد مرگ		